

« بازگشت رفتگر »

چگونه روزهای سخت را پشت سر بگذاریم
خودت را باور کن تا موفق شوی
رمن موفقیت در کار و زندگی

نویسنده: آگ ماندینو

مترجم: هانیه فهمی

انتشارات پل

سرشناسنامه	ماندینو، آگ
عنوان و نام پدیدآور	<i>Mandino, Og</i> بازگشت رفتگر / نویسنده آگ ماندینو
مشخصات نشر	تهران: پل، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	ص ۱۱۶
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۳۳-۰۱۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	<i>The return of the reggiker</i> : عنوان اصلی
یادداشت	این کتاب ادامه‌ی کتاب آراه بهتر آموختن بزرگترین معجزه در جهان است
موضوع	موفقیت - راه و رسم زندگی
شناسنامه افزوده	فهیمی، هانیه، ۱۳۶۰ -
رده بندی کنگره	۱۳۸۸ ب ۷۷ م / ۶۱۱ / ۲ BJ۶
رده بندی دیویی	۱۵۸ / ۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۷۱۳۳۷۴



www.polbook.ir

انتشارات پل

بازگشت رفتگر

نویسنده: آگ ماندینو

مترجم: هانیه فهیمی

ویراستار: محمدرضا حبیبی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۳-۰۱۲-۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

مرکز پخش: انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، بین خیابان دانشگاه و فخررازی

پلاک ۱۷۴، طبقه دوم، واحد ۴

تلفن: ۶۶۴۶۹۶۰۸ - ۶۶۹۷۲۸۱۸ - ۶۶۴۷۶۵۸۳

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ می‌باشد»

فهرست مطالب

۵	درباره نویسنده
۷	پیامی ویژه از آگ ماندینی
۱۳	فصل اول
۲۱	فصل دوم
۲۷	فصل سوم
۳۳	فصل چهارم
۳۹	فصل پنجم
۴۹	فصل ششم
۵۹	فصل هفتم
۶۹	فصل هشتم
۷۹	فصل نهم
۸۷	فصل دهم
۱۰۱	فصل یازدهم
۱۰۹	فصل دوازدهم

درباره نویسنده

آگ ماندینو یکی از بزرگترین نویسنده‌های معنوی و خود یاریگر معاصر است. چهارده جلد کتاب وی در بیش از بیست و پنج میلیون نسخه به فروش رفته و به بیش از هجده زبان ترجمه شده است. هزاران نفر از مردم با جنبه‌های متفاوت زندگی با آثار وی زندگی‌شان متحول شده و معجزه زندگی خود را در آثار وی یافته‌اند. کتاب‌های وی پر از خرد، معنویت و عشق است و شامل بزرگترین راه شاد زیستن، راه بهتر زیستن، راه بهتر آموختن، پایان داستان، ماموریت مسیح، بزرگترین راز در جهان؛ دانشگاه موفقیت آگ ماندینو، ماموریت، موفقیت!، انتخاب، هدیه بزرگ، بزرگترین موفقیت در جهان و بازگشت رفتگر می‌باشد.

پیامی ویژه از آگه ماندینو

سیمون پائر، رفتگر اسرارآمیز که در پایان کتابم، راه بهتر آموختن ظاهر شد....

آیا فکرش را می‌کردم که دوباره وی دوباره در آینده بنویسم؟ پاسخم برای بیش از هفده سال در برابر صدها پرسش‌کننده و هزاران نامه یکسان بوده... «احتمالاً نه».

و اکنون شما کتابی را به دست گرفته‌اید که هرگز قصد نگاشتنش را نداشتم. اگر زندگی، آنگونه که امرسن نوشت، دنباله‌ای از شگفتی‌ها باشد، بنابراین کتابی را که به دست دارید، جزء اصلی‌ترین این شگفتی‌ها قرار می‌گیرد.

در مدت ربع قرن گذشته آنگونه که سزاوار هرکس می‌باشد، زندگی من نیز دارای بخت و اقبال بسیار بوده است.

من طعم گرسنگی و توانگری، رنج و لذت را چشیده‌ام و با افتخار بزرگ شدن دو پسر، ازدواج کردن و سرو سامان گرفتن‌شان را نظاره‌گر

بوده‌ام.

من به مؤسسه‌ی بین‌المللی سخنگویان مشهور هال معرفی شدم و مدال طلای ناپلئون هیل که نوعی جایزه‌ی ادبی است را دریافت کردم و زندگینامه‌ی خود را در برنامه‌ی چه کسی در جهان چه کاره است بیان کرده‌ام.

نکته مهم‌تر، دستیابی‌ام به رویاهای کودکی و همین اواخر است، از محبوب مادر بودن، تا نویسنده شدن. و همچنین سهل‌انگاری‌هایی نیز در طول زندگی داشته‌ام تا اینکه چهل را گذراندم و دیدم مسبب نرسیدن به اهدافم تنها خودم بوده‌ام.

در بازنگری سال‌های اخیر شکست و نومیدی، موفقیت برایم دورتر از هر دانشکده‌ای برای تحصیل بود. از ۱۹۶۶، در چهارده کتابی که نگاشتم، تمام جزئیات مربوط به موفقیت و شادکامی را به معنای واقعی‌اش در این کتاب‌ها گنجانده‌ام. کتاب‌هایی که در بیست و پنج میلیون نسخه چاپ و به هجده زبان مختلف ترجمه شده و از توکیو تا رم، ژوهانسبورگ تا سیدنی، مکزیکو سیتی تا استکهلم فروخته شده‌اند و یکی از آنها، «فروشنده‌ی بزرگ در جهان»، بارکوردشکنی فروش در کل جهان، در صدر قرار دارد! رویا تکمیل شد!

و اکنون، به رغم تمام کتابهای فروخته شده و اقبالی که به کتاب بزرگترین فروشنده، چه جلد نخست و چه جلد دوم آن شد، کتاب دیگرم، راه بهتر آموختن در جهان، که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد، نیز همچنان جزء پر خواننده ترین کتابهایم می‌باشد.

راه بهتر آموختن، داستان دوستی ویژه من با یک دوست قدیمی، یک مرد پیر، سیمون پاتر است که خود را رفتگر می‌نامد زیرا تمام وقت خود را صرف رهانیدن مردم از انبوه شکست‌ها و مشکلات‌شان می‌کند. اولین دیدار ما به شکل تصادفی در پارکینگ محل کارم بود. چند سالی هنگامی که سردبیر مجله موفقیت نامحدود در شیکاگو بودم، و قصد داشتم از آنجا بازگردم با وی تلافی کردم. برای چندین ماه وی دلسوزانه اندرزهای بخردانه‌ی خود را به من هدیه می‌کرد. توصیه‌ها و مشاوره‌های مهربانانه وی زندگیم را برای همیشه تغییر داد... برای بهتر زیستن. یک روز صبح او بدون هیچ اثری ناپدید شد. شگفت‌اینکه هیچ کس در آپارتمان وی زندگی نمی‌کرد و از نشانی‌هایی که من درباره وی می‌دادم خبر نداشت. حتی از خانواده‌اش که وی مدعی بود در آن محل زندگی می‌کنند نیز خبری نبود! به نظر می‌رسید که سیمون هرگز جز برای من وجود نداشته است! هدیه وی بعداً روی میز تحریرم کشف شد؛ قطعه‌ای سخت گیراکه وی آن را «خداینامه» می‌نامید. پیرونده‌ای که دارای چهار اصل بود و کسی که می‌خواهد به زندگی کاملی دست یابد باید آنها را بکار گیرد. من اصول آن خداینامه را در کتابم بکار گرفته‌ام... و آنها نتیجه بخش بوده‌اند!

اساس پیام آنها برای من در آنچه سال‌ها ادامه داشت و در بزرگترین معجزه تجلی یافت را می‌توان در گزیده‌ای از نامه‌هایی که از طرف خوانندگان در ذیل آمده خلاصه کرد:

«دقیقاً یک سال پیش، در این هنگام تلاش به خود کشی کردم. واژگان شما و آنهایی که متعلق به دوستان، رفتگر در بزرگترین معجزه است،

زندگیم را نجات داد. امروز به هر کس می‌توانم صادقانه بگویم که من یک معجزه‌ام. نه به این خاطر که سر عقل آمدم بلکه به این دلیل که زنده‌ام. امروز در زندگی‌ام صفا و صمیمیت وجود دارد و کلمات شما مرا از زندگی دوزخی که داشتم رهانید...»

«من بسیار مدیون شما هستم. در تابستان ۱۹۸۳، هنگامی که اندک زمانی از طلاق گذشته بود، کنار ساحل کالیفرنیا نشسته بودم و بزرگترین معجزه را در حالی که اشک از گونه‌هایم سرازیر می‌شد می‌خواندم. شما و آن رفتگر شگفت‌آور، سیمون پاتر، حامیان زندگیم بوده‌اید...»

«در طی سال‌های گذشته از ده تا هفده سالگیم با وابستگی، غفلت و دوستان خلافکار سپری کردم. اما اکنون می‌توانم یکی از خدایان رفتگر شوم، مانند سیمون پاتر در کتاب نفیستان...»

«می‌خواهم قدردانی خود را به خاطر مطالب الهام بخش و دوست داشتنی در سراسر کتاب اعلام کنم. پس از آن هنگامی که به خود آمدم تبدیل به بزرگترین معجزه در جهان شده بودم. و اکنون می‌دانم که با خواندن آن کلمات می‌توانم بر هر بحرانی غلبه کنم و نیز به دوستانی که بار سنگینی از مسئولیت را به دوش می‌کشند نسخه‌هایی از آن را بدهم...»

«من تنها ۱۲ سال دارم و از شما به خاطر رفتگر پیر تشکر می‌کنم. من فکر می‌کنم که به یاری این کتاب زندگیم را دوباره از سر گرفتم و سایرین

نیز همینگونه‌اند. و این حس خوبی به من می‌دهد...».

«من باید برای همیشه به یاد رفتگر باشم...».

یک دوست قدیمی نگزاسی در حالیکه کتاب مرا در دست داشت، با افتخار آن را بلند کرد و اعلام کرد که سرانجام رمز موقیت مرا کشف کرده است. وی ابراز داشت که داستان را بررسی کرده... داستان‌های با ارزش و کنایی پیر مرد که همواره نکته‌ای اخلاقی یا اصلی مذهبی را بیان دارد، از هر کتابی بیشتر به حقیقت نزدیک است.

آیا رفتگر پیر، سیمون پاتر، وجود داشته است، یا آن داستان مانند داستان‌های مدرن به رمز نگاشته شده است؟ در تمام مواردی که این پرسش مطرح شده، چه رادیو، تلویزیون و مصاحبه‌ها در روزنامه‌ها، پاسخ من یکسان بوده است: «رجوع کنید به جان ۴:۴۸».

سپس مسیح به وی گفت، اگر نشان‌ها و معجزات نبود کسی ایمان نمی‌آورد.

منی‌دانم که چه هنگام با سیمون پاتر در کتاب راه بهتر آموختن روبرو شدید در هر صورت من به شما صمیمانه خوشامد می‌گویم و در این جملات پایانی دوست دارم بگویم که کاش شما هم بگویید:

«من باید همیشه رفتگر را به یاد داشته باشم...».

«آگ ماندینو»

«نیوه‌میشایر»